

# کار همچون زندگی

چگونه می‌توانید کاری را که برای آن زاده شده‌اید  
کشف کنید و به رضایت خاطر برسید؟

تامس مور

ترجمه  
محمدرضا سلامت

با مقدمه‌ای از  
مصطفی ملکیان

فرهنگ‌نشر نو  
با همکاری نشر آسیم  
تهران - ۱۳۹۹

## فهرست مطالب

۱۳	پیشگفتار نویسنده برای ترجمه فارسی کتاب
۱۷	کارِ جان آشنا، کارِ جان پالا / مصطفی ملکیان
۲۳	یادداشت مترجم
۳۳	درآمد کیمیاگری: اُپوس روح
۳۷	۱ به جایی نرسیدن
۵۰	۲ ندای درون
۶۹	۳ روح و نفس
۹۲	۴ آشتی با گذشته
۱۰۷	۵ آشفستگی آفرینشگر
۱۳۱	۶ زندگی در برج عاج
۱۵۱	۷ مراقبت از روح در محل کار
۱۶۵	۸ بنیانی استوار داشته باشید و بلندپروازی کنید
۱۷۸	۹ دیمون کار
۲۰۳	۱۰ عشق ورزیدن به کار
۲۲۱	۱۱ کار کردن عبادت است
۲۳۸	۱۲ زندگی یکدست
۲۵۳	سپاسگزاری

## کارِ جان آشنا، کارِ جان پالا

مصطفی ملکیان

مهمترین مدّعیِ تامس مور (Thomas Moore)، روان‌درمانگرِ امریکایی (۱۹۴۰-)، که سابقاً راهب بوده و اکنون یکی از پرآوازه‌ترین نویسندگانِ کتابهای معنوی است، این است که عصر ما چیزی بسیار عظیم و ارجمند را از کف داده است که او از آن به soul (جان/نفس/روح) تعبیر می‌کند؛ و بزرگترین رسالتی که برای خود قائل است راه‌نمایی و کمک به همعصرانِ ما است که این چیز را بازشناسند و به حیاتِ خود بازگردانند و تیمارداری و مراقبت از آن را، مادام‌العمر، کارِ اصلی و شغلِ شاغلِ خود بدانند. او، در پراهمیت‌ترین و بیش‌خوانده شده‌ترین کتاب‌اش، با عنوان *Care of the Soul: Guide for* و *Cultivating Depth and Sacredness in Everyday Life* (= مراقبتِ نفس) تیمارِ جان: راه‌نمایِ پرورشِ عمق و قداست در زندگیِ هرروزه، «از عارضه و ناخوشیِ بزرگیِ سده‌ی بیستم: از دست رفتنِ روح» سخن می‌گوید. این از دست رفتنِ روح، به عقیده‌ی او، و چنان‌که از عنوانِ فرعیِ همین کتاب او نیز پیدا است، سبب شده است که زندگیِ هرروزه و متعارف و عادیِ ما هم عمقِ خود را فاقد شده است و هم قداستِ خود را. و او، با نشرِ تقریباً بیست‌وپنج کتاب،

هرکس داده شده‌اند، و با ویژگیهایِ هیچ‌کسِ دیگر عینیت و وحدت ندارند، فقط بدین جهت داده شده‌اند که او را به اداء آن رسالت قادر سازند.

(۲) اگر آن رسالتِ خاص کشف نشود و/یا زندگی براساس آن تنظیم نشود آدمی پیوند خود را با ژرف جانِ خود از دست می‌دهد و، در نتیجه، هرگز روی رضایت و خشنودی از خود و زندگیِ خود را نخواهد دید. وانگهی، بخشی از تیمارِ جان را وانهاده است.

(۳) پس، اگر آن رسالت معلوم شد باید کارِ عُمرانه (Life's Work یا Life-Work)یِ شخص شود، بدین معنا که، هیچ‌گاه، از پرداختن به آن سر نیچد و هرچه را با آن موافقت ندارد یا مخالفت دارد از حریم زندگی خود براند و دور کند.

(۴) کشف رسالت و کارِ عمرانه، درست، همچون کیمیاگری است؛ و این مشابهت لاقفل از دو جهت است: یکی این که هر دو فرآیندی بسیار طولانی و، البته بسیار پالایشگرانه دارند که طی آن صبوری فوق‌العاده می‌طلبد؛ و دیگر این که در هر دو خود همین فرآیند اهمیتی دارد بسیار عظیم‌تر از فرآورده‌ای که از آن فرآیند حاصل می‌آید، به گونه‌ای که گویی نتیجه‌ی نهایی و مطلوب طی فرآیند خود طی فرآیند است. غرض از این تشبیه این است که همین که، در طول عمرت، دل مشغول یافتن رسالت و کارِ عمرانه‌ات باشی پاداش خود را یافته‌ای.

(۵) کارِ عمرانه به زندگیِ آدمی یک پارچگی و وحدتِ اندام وار (organic)، معنا و کمال می‌بخشد. زندگی که در آن به کارِ عمرانه‌ات اشتغال نداشته باشی لحافی چهل تکه است و وحدت ندارد و نیز ارکستری بی‌رهبر است که از هر گوشه و کنارش آوایی جدا و ناهماهنگ به گوش می‌رسد. وانگهی، هیچ‌یک از اجزایش چنان نیست که به کل معنایی واحد بدهد. و، از همه‌ی اینها گذشته، رو به کمال ندارد و، دم به دم، پریشیده‌تر و ناقص‌تر می‌شود.

(۶) شغل (occupation) و حرفه (profession)یِ آدمی باید هماهنگ با، و حتی برآمده از دل، کارِ عمرانه‌اش باشد. شغل و حرفه‌ای که چنین نباشد بسا که درآمد یا لذت به همراه داشته باشد؛ اما، سرنوشتی بد و نامطلوب برای شخص

کوشیده است تا هم این فقدانِ عمق و قداست را در ساحت‌هایِ گوناگون زندگی ما نشان دهد و هم راه برون شد از این وضع و حال را یادآور شود تا از نو، این عمق و قداست را کشف کنیم: چرا که به نظر او، زندگی فاقد عمق و قداست، هرگز، رضایت‌بخش نخواهد بود.

مور، در سرتاسر آثار خود، سخت تحت تأثیر کارل گوستاو یونگ (Carl Gustav Jung) بنیان‌گذار روان‌شناسی تحلیلی و روان‌درمانگر سوییسی (۱۸۷۵-۱۹۶۱) و جیمز هیلمن (James Hillman)، روان‌شناس امریکایی (۱۹۲۶-۲۰۱۱) و بنیان‌گذار جنبش موسوم به روان‌شناسی کهن الگویی (archetypal psychology)، که خود از پی‌روان یونگ بود، واقع است. از این رو، روان‌شناسی تحلیلی یونگ و روان‌شناسی کهن الگویی هیلمن مهمترین منابع تغذیه‌ی فکری او به حساب می‌آیند. او افزون بر اینها، از اسطوره‌ها (باز هم تحت تأثیر یونگ)، حکایات باستانی، آثار تخیلی، و روش‌های درمانگرانه‌ی متعارف در روزگار ما نیز بهره می‌جوید. البته، تفکرات، فهم، و تجارب شخصی‌اش نیز سهم خود را دارند.

در کتابی که اکنون، پیش‌روی خواننده‌ی گرامی است، و عنوان آن *A Life at Work: The Joy of Discovering What You Were Born to Do* (= زندگی در حال کار: شادمانی حاصل از کشف این که برای انجام دادن چه کاری زاده شده‌ای) است، مور به اعمال و تطبیق نظریه و طرح کلی خود را در خصوص یکی از ساحت‌های زندگی، یعنی ساحت شغل و حرفه، دست می‌زند. به عبارت دیگر، درصدد است که همان روح، و همان عمق و قداست را که باید به همه‌ی زندگی ما بازگردد، به ساحت شغل و حرفه، نیز، بازگرداند. به این لحاظ، این کتاب به زیرمجموعه‌ای از نظریه و طرح کتاب مراقبتِ نفس/ تیمارِ جان می‌پردازد.

می‌توان مدعیات عمده و اصلی این کتاب را در هشت فقره بیان کرد:

(۱) هر فرد انسانی برای اداء رسالتی (calling یا vocation) خاص، که منحصر به او است، آفریده شده است. ویژگی‌های خاص جسمانی - ذهنی - روانی که به